شبهه ها
و
پاسخ ها

حجاب و بی‌حجابی در زمان معصومین(ع)

آیا گزارشی از سیره پیامبر و ائمه(ع) در برخورد با بی‌حجابی وجود دارد؟

درخصوص ادعای عدم تحقق الزام حکومتی در زمان پیامبر گرامی اسلام(ص) و ائمه معصومین(ع) نسبت به حجاب باید گفت:

اوّل، صرف اینکه روایتی در این زمینه نرسیده باشد، دلیل عدم وجود چنین الزامی نیست.

دوم، بسیاری از امامان معصوم(ع) حکومت و قدرت سیاسی نداشته‌اند تا اقدام به الزام حکومتی کنند. بنابراین نمی‌توان عدم اقدام حکومتی ایشان را دلیل بر ممنوعیت اقدام توسط نظام جمهوری اسلامی ایران دانست. چرا که اساسا ایشان توان اقدام حکومتی و الزام نداشته‌اند؛ پس عدم اقدام ایشان نمی‌تواند دلیل بر ممنوع بودن الزام حکومتی نسبت به حجاب باشد. حتی اگر در زمان حاکمیت حضرت رسول(ص) برخورد قهرآمیزی با بی‌حجاب‌ها رخ نداده باشد، باز نمی‌توان حاکم شرع را از مقابله با بی‌حجابی منع کرد؛ زیرا جرم‌انگاری و تعیین میزان و کیفیت کیفر در مجازات تعزیری، با توجه به زمان و مکان جامعه در آن، متغیر است.

علت اینکه بعضی از جرایم در آن زمان مطرح نبوده و برخی دیگر در آن زمان بیشتر مورد توجه قرار گرفته و بیشتر نام برده شده، رواج آن‌گونه جرایم در آن زمان بوده؛ نه اینکه جرم، محدود به همین موارد و مجازات منحصر به همین مصادیق در آن دوران بوده باشد.

سوم، در مورد حکومت اسلامی در دوران حاکمیت پیامبر(ص) و امام علی(ع) باید توجه داشت در این دوران معمولا افراد به صورت طبیعی احکام اسلامی را انجام می‌دادند و نیاز به مداخله حکومت نبود. علاوه‌بر اینکه ادعای عدم الزام حکومتی در زمان ایشان نیز قابل قبول نیست؛ چرا که به لحاظ نظام قبیلگی در میان اقوام مختلف و پذیرش آن توسط حکومت اسلامی آن زمان، به طور طبیعی بسیاری از الزامات شرعی توسط خود قبائل پیگیری می‌شد.

همچنین به جهت اختلاط مسلمانان و غیرمسلمانان و با توجه به اینکه حکم حجاب بر غیرمسلمانان و کنیزان واجب نبوده، در آن دوران امکان سختگیری در اجرای احکام الزامی اسلامی نظیر حجاب برای حکومت وجود نداشته است.

چهارم، در زمان حکومت رسول اکرم(ص) بی‌حجابی یا بدحجابی توسط تازه مسلمانانی که متأثر از فرهنگ‌های نادرست وامانده از زمان جاهلیت بودند ارتکاب می‌یافته؛ به همین دلیل زدودن آثار آن به گذشت زمان نیاز داشته؛ بنابراین بر فرض که در این دوران برخورد قهرآمیزی صورت نگرفته باشد، توجیهاتی داشته که در دوران حاضر محقق نیست.

همچنین در مورد دوران کوتاه مدت حکمرانی امیرالمؤمنین(ع) شیوهٔ برخورد با بدحجابی به درستی روشن نیست؛ اما نمی‌توان قاطعانه گفت در حکومت ایشان اصلاً برخوردی با بدحجابی صورت نگرفته است.

پنجم، مجازات بی‌حجابی و چگونگی برخورد با آن در زمره مقررات تعزیری است و حکم تعزیری بر اساس مصالح امت اسلامی اعمال می‌شود؛ به تعبیر دیگر بر اساس ادله شرعی نظیر قاعده «التعزیر فی کل امر محرم» و «التعزیر بما یراه الحاکم» حکومت اسلامی می‌تواند بنا به مقتضیات زمان و مکان و مراحل رشد فرهنگ جامعه، این الزام حکومتی و تعزیر را ایجاد کند. بنابراین نمی‌توان مجازات تعزیری بی‌حجابی و برخورد قانونی با بی‌حجابان را مخالف سیره پیامبر و ائمه طاهرین(ع) دانست.

زهرا (س) بانوی فرشته صفت

در احادیث ما رسیده است که کامل‌ترین زن‌های جهان چهار زن هستند که دوتای اینها در امم پیشین بوده‌اند، یکی همین زن فرعون، که می‌گویند نام او آسیه بوده است و دیگری مریم مادر عیسی مسیح(ع)... در قرآن این دو زن فوق العاده تقدیس شده‌اند.

دو زن در اسلام هستند که در عالی‌ترین سطح‌ها قرار گرفته‌اند؛ یکی جناب خدیجه دختر خویلد، همسر بزرگوار پیغمبر اکرم(صلی‌الله علیه و آله)، دیگر حضرت زهرای مرضیه، صدیقه طاهره(س) که از این چهار زن افضل آنها ایشان هستند.

باتوجه به اینکه کار پیغمبر هیچ‌وقت حساب نشده و از روی احساسات بی‌منطق بشری نیست، اگر ما رفتار پیغمبر را با حضرت زهرا در نظر بگیریم و سخنان پیغمبر را- که «ما ینطق عن الهوی إن هو إلا وحی یوحی»(نجم/۳-۴)- درباره حضرت زهرا در نظر بگیریم، کافی است تا بفهمیم حضرت زهرا به چه کمالی از انسانیت رسیده است.

علاقه رسول اکرم(ص) به زهرا(س) اعجاب‌آور است. پیغمبر که گزاف حرف نمی‌زند می‌فرماید:«فاطمهٔ انسیهٔ حوراء»؛ فاطمه یک انسان بهشتی است.(مثل اینکه ما می‌گوییم یک انسان فرشته‌صفت، که هم انسان است و هم فرشته، هم فضائل انسان را دارد و هم فضائل فرشته را)

مجموعه آثار استاد شهید مطهری
(آشنایی با قرآن ج۸)، ج۲۷، صص: ۴۹۲-۴۹۰
با تلخیص و ویرایش

چگونه از فاطمه زهرا(س) الگو بگیریم؟

بخش اول

آیت‌الله مصباح یزدی

آنچه در پی می‌آید نگاه تحلیلی آیت‌الله مصباح یزدی است درباره مفهوم الگوبرداری از شخصیت حضرت فاطمه زهرا(س) و پیش‌شرط‌های الگوگیری از معصومین(ع) و اینکه چگونه می‌توان الگوی رفتاری آن حضرت را در جامعه تبیین کرد. این بیانات در کنگره فاطمه‌شناسی در آبان سال ۸۱ در یزد ایراد شده است. بخش نخست از نظر خوانندگان عزیز می‌گذرد.

***

حضرت زهرا(س) الگویی برای همه زمان‌ها

به‌عنوان نمونه در زبان مردم متدیّن، رایج است که حضرت زهرا(س) الگویی برای زنان مسلمان است. کسانی آمدند این سؤال را مطرح کردند که آیا زندگی حضرت زهرا(س) امروز هم می‌تواند الگو باشد؟ برای مثال کسی که چادرش را با لیف خرما وصله می‌زد، جو را در خانه با دستاس آرد می‌کرد و نان می‌پخت، این زندگی می‌تواند برای زنان امروز ما الگو باشد؟ و با این تشکیکات خواستند اصل این مسئله را زیر سؤال ببرند و به‌جای زندگی ملکوتی حضرت زهرا(س) کسان دیگری را به‌عنوان الگو معرفی کنند. پس معلوم می‌شود فی‌الجمله ابهاماتی در این زمینه‌ها وجود دارد که به چند نکته اشاره می‌شود:

نکته اول اینکه آیا حضرت زهرا(س) فقط برای زنان عالَم الگو هستند یا ایشان برای همه مردم اعم از مرد و زن، الگو هستند؟ در قرآن کریم چند آیه داریم که برای اهل ایمان دو تا الگو را معرفی می‌فرماید؛ ضَرَبَ اللهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ،(۱) و بعد هم می‌فرماید وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ؛(۲) در این آیات، عبارت «الَّذِينَ آمَنُوا» به کار رفته، یعنی اعم از مرد و زن. البته ظاهراً صیغه مذکر است ولی در این گونه موارد، مراد اعم از مذکر و مؤنث است. خدا برای کل اهل ایمان، اعم از مرد و زن، دو تا الگو معرفی کرده است، یکی همسر فرعون و یکی مریم، مادر عیسی. پس آنها فقط برای زنان الگو نبودند بلکه برای همه اهل ایمان الگو هستند.

حضرت زهرا(س) هم فقط برای زنان الگو نیستند بلکه برای همه مردان و زنان اهل ایمان الگو هستند. البته ویژگی‌هایی هست که مخصوص زنان است و برای مردها یا امکان عمل ندارد و یا رجحان ندارد. به‌عنوان مثال بُعد مادر بودن و همسر بودن یعنی جایگاه زن در زندگی خانواده چیزهایی نیست که برای مردها قابل اقتباس باشد، ولی این‌ها مسائلی بسیار استثنائی است.

الگوگیری از حضرت زهرا(س) در حد وسع و توان

ابعاد وجودی حضرت زهرا(س) اعم از بُعد علمی، فرهنگی، عبادی، عرفانی، سیاسی، اجتماعی و سایر ابعاد وجودی ایشان انحصار به خانم‌ها ندارد، ایشان برای مردان عالم نیز الگو است. دوم اینکه الگو بودن زندگی ممکن است دارای مراتبی باشد. اگر ما مقصد بلندی را وجهه همت خودمان قرار بدهیم و به طرف آن حرکت کنیم، ممکن است به انتهای راه نرسیم ولی می‌توانیم مراتبی از آن راه را بپیماییم و مراتبی از آن کمال را به دست بیاوریم. اگر به آخر خط و به همه کمالات نرسیدیم معنایش این نیست که آن، الگو نیست؛ الگو ممکن است الگوی ایده‌آل باشد یعنی آن را باید وجهه همت قرار داد و به طرف آن حرکت کرد، هر کسی هر چه می‌تواند و به اندازه‌ای که همتش اقتضا می‌کند و ظرفیت وجودی‌اش گنجایش آن را دارد، از کمالات آن بهره بگیرد. اگر ما نتوانستیم همه کمالات حضرت زهرا(س) را در زندگی خودمان مجسم کنیم به این معنا نیست که ایشان الگو نیستند، بلکه الگوی ایده‌آل هستند و هر کسی باید به اندازه توان خودش به این الگو نزدیک بشود. نظیر آنچه امیرالمؤمنین(ع) فرمودند که: وَ اِنَّكُم لا تَقدِرونَ عَلى ذلِكَ؛ آن‌طور که من با این خصوصیات، زندگی می‌کنم شما همه نمی‌توانید ولی سعی کنید که در این مسیر قدم بردارید، هر چه می‌توانید به این هدف نزدیک بشوید و شباهت خودتان را بیشتر کنید؛ وَ لكِن اَعينوني بِوَرَعٍ وَ اجتِهادٍ.(۳)

بنابراین معنای الگو بودن زندگی حضرت زهرا(س) این نیست که همه بتوانند عیناً زندگی ایشان را سرمشق خودشان قرار بدهند بلکه باید سعی کنند تا آنجایی که می‌توانند این کار را انجام بدهند. بالاخره بعضی از مراتب، وجود دارد که ظرفیت و قدرت ما اقتضای آن‌ها را ندارد ولی به این معنا نیست که صرف‌نظر کنیم. به‌هرحال نکته‌ای است که اگر ما نتوانستیم به غایت آن کمالات و آخرین مرتبه آن فضائل برسیم نباید مأیوس بشویم و بگوییم پس هیچ، یا همه یا هیچ، یا باید کاملا مثل حضرت زهرا(س) بشویم یا به‌کلی رها کنیم؛ بلکه باید سعی کنیم تا آنجایی که می‌توانیم شباهت پیدا کنیم.

> **معنای الگو بودن زندگی حضرت زهرا(س) این نیست که همه بتوانند عیناً زندگی ایشان را سرمشق خودشان قرار بدهند بلکه باید سعی کنند تا آنجایی که می‌توانند این کار را انجام بدهند. بالاخره بعضی از مراتب، وجود دارد که ظرفیت و قدرت ما اقتضای آن‌ها را ندارد ولی به این معنا نیست که صرف‌نظر کنیم. اگر ما نتوانستیم به غایت آن کمالات و آخرین مرتبه آن فضائل برسیم نباید مأیوس بشویم و بگوییم پس هیچ، یا همه یا هیچ، یا باید کاملا مثل حضرت زهرا(س) بشویم یا به‌کلی رها کنیم؛ بلکه باید سعی کنیم تا آنجایی که می‌توانیم شباهت پیدا کنیم.**

پیش‌شرط‌های الگوپذیری از زندگی ائمه(ع)

نکته سوم اینکه، الگو بودن بعضی از شخصیت‌ها برای زندگی افراد پیش‌شرط‌هایی دارد، این‌طور نیست که هر کسی بتواند هر شخصیتی را الگوی خودش قرار بدهد. این آیه شریفه را همه شنیدید که: لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛(۴) قرآن دو شخصیت را با تعبیر اسوه یاد کرده است، یکی رسول اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله) و یکی حضرت ابراهیم(ع).

درباره حضرت ابراهیم می‌فرماید: قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ،(۵) ولی در مورد اسوه بودن پیامبر اکرم و تأسی کردن مردم به آن حضرت، شرط‌هایی را ذکر می‌فرماید: لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللهَ كَثِيرًا، کسانی که می‌خواهند از زندگی رسول اکرم برای خودشان سرمشق بگیرند لازم است که اول این شرط‌ها را در خودشان محقق کنند، اول اینکه خداجو باشند و رسیدن به قرب الهی برای آن‌ها هدف باشد: لِمَنْ كَانَ يَرْجُو الله، دوم ایمان کافی به عالم قیامت و جهان ابدی داشته باشند: وَالْيَوْمَ الْآخِرَ. کسانی که در یکی از این دو شرط اساسی بلنگند، از زندگی رسول خدا نیز بهره‌ای نمی‌توانند ببرند. بعد در عمل هم می‌فرماید وَذَكَرَ اللهَ كَثِيرًا و زیاد هم به یاد خدا باشد.

صرف اینکه ما ادعا کنیم که ما راه حضرت زهرا(س) را می‌پیماییم و ایشان برای ما الگو هستند کفایت نمی‌کند. این‌طور نیست که ابتدائا بتوانیم واقعاً این راه را بپیماییم مگر اینکه آن پیش‌شرط‌هایش را قبلا در وجود خودمان تحقق ببخشیم؛ ایمان، معنویت و علاقه به کمالات معنوی و قرب به خدا اگر در انسان نباشد انگیزه‌ای ندارد برای اینکه این راه پرپیچ‌وخم و پرفراز و نشیب و سخت را بپیماید. اول باید آن پایه‌ها را محکم کرد و آن انگیزه را ایجاد کرد تا اینکه آدم بتواند این راه پرمشقّت را بپیماید. راه بسیار سختی است و خیلی راحت نمی‌شود انسان زندگی‌اش را شبیه زندگی حضرت زهرا(س) یا زندگی سایر ائمه اطهار(ع) بکنند.

> **صرف اینکه ما ادعا کنیم که ما راه حضرت زهرا(س) را می‌پیماییم و ایشان برای ما الگو هستند کفایت نمی‌کند. این‌طور نیست که ابتدائا بتوانیم واقعاً این راه را بپیماییم مگر اینکه آن پیش‌شرط‌هایش را قبلاً در وجود خودمان تحقق ببخشیم؛ ایمان، معنویت و علاقه به کمالات معنوی و قرب به خدا اگر در انسان نباشد انگیزه‌ای ندارد برای اینکه این راه پرپیچ‌وخم و پرفراز و نشیب و سخت را بپیماید. اول باید آن پایه‌ها را محکم کرد و آن انگیزه را ایجاد کرد تا اینکه آدم بتواند این راه پرمشقت را بپیماید. راه بسیار سختی است و خیلی راحت نمی‌شود انسان زندگی‌اش را شبیه زندگی حضرت زهرا(س) یا زندگی سایر ائمه اطهار(ع) بکنند.**

الگوهای رفتاری زندگی حضرت زهرا(س)

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که زندگی حضرت زهرا(س) در چه جهتی می‌تواند برای ما الگو باشد؟ اگر در این جهت دقت نکنیم جای القای شبهه توسط شبهه‌افکنان در دل نوجوان‌ها و جوان‌های ما باز می‌شود. بعضی‌ها هستند که در مجالسی که به نام حضرت زهرا(س) منعقد می‌شود به ذکر فضائلی اکتفا می‌کنند که قابل اقتباس نیست. مثلاً ذکر اینکه حضرت زهرا(س) دختر پیغمبر اکرم بود، این افتخار بزرگی است اما چه درسی برای مردم می‌تواند باشد؟! یعنی ما هم می‌توانیم دختر یا فرزند پیغمبر بشویم؟! ذکر این مطالب برای اینکه فضائل ایشان را بشناسیم بسیار خوب است اما این مطالب، درس زندگی به ما نمی‌دهد و اسوه عملی نمی‌شود. یا مثلاً حضرت زهرا(س) همسر علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) بودند، این فضیلت بسیار بزرگی است اما ذکر این فضیلت برای مردم درس‌آموز نیست، خانم‌های ما که نمی‌توانند بروند همسر حضرت علی(ع) بشوند. بله، با تجریدهایی می‌شود ملاکی به دست آورد که سعی کنید آن ملاک‌هایی که در زندگی امیرالمؤمنین بود برای همسرتان در نظر بگیرید اما این در واقع، الگو گرفتن نیست. یا فضائلی مثل اینکه حضرت زهرا(س) فرزندانی مثل امام حسن و امام حسین(ع) و مثل حضرت زینب و ام کلثوم(س) آوردند و ایشان مادر مع‌الواسطه همه ائمه اطهار بودند، این‌ها فضائل بزرگی است، فضائلی است که هیچ زنی در عالم در آنها شریک نیست اما ذکر آنها برای ما درس زندگی نمی‌شود. ما که نمی‌توانیم فرزند امام، پرورش بدهیم. ائمه هم تعدادشان معین بود و امام معصوم دیگری نخواهیم داشت. پس یک دسته از فضائل حضرت زهرا(س) یا ائمه اطهار(ع) یا خود وجود مقدس پیغمبر اکرم(ص) هست که موجب افزایش محبت و ارادت ما به این بزرگواران می‌شود اما این‌ها منشأ تأسی ما نمی‌شود و ما نمی‌توانیم اینها را اقتباس کنیم.

پاسخ به یک شبهه

کسانی که یا در دل مرضی دارند و یا در این زمینه‌ها معرفت کافی ندارند اینها را بهانه قرار می‌دهند که شما دائم می‌گویید مثل حضرت زهرا بشوید، یعنی ما دختر پیغمبر بشویم؟! مادر حسنین بشویم؟! این که شدنی نیست! چه فایده دارد که اینها را می‌گویید؟ جوابش این است که ذکر اینها فقط برای افزایش معرفت و مودت و محبت است و آنچه برای تأسی ذکر می‌شود مطالب دیگری است. در مقابل، کسانی باز از روی قلّت معرفت یا از روی شیطنت، خواسته‌اند سطح زندگی حضرت زهرا و همچنین سایر ائمه اطهار و حتی پیغمبر اکرم را در سطح زندگی یک فرد عادی تنزّل بدهند، بگویند هر کسی در زندگی خودش یک ویژگی‌هایی دارد، ممکن است در یک شرایط تاریخی این ویژگی‌ها مطلوب و پسندیده باشد ولی این معنایش این نیست که دیگران هم اقتباس کنند و یاد بگیرند. زمانی بود که سطح زندگی مردم خیلی پایین بود، معمولاً لباسی که می‌پوشیدند از همین پنبه و پشمی بود که خود مردم با دست می‌ریشتند و می‌بافتند و لباس معمولی از جنس کرباس بود، اینکه ما بگوییم مثلا لباس حضرت زهرا از کرباس بود این چیزی نیست که ما حالا بتوانیم از آن اقتباس کنیم و برای ما درسی بشود، آن روز همه مردم لباسشان همین‌جور بود. همان‌طور که آن‌وقت سطح متعارف زندگی مردم پوشیدن کرباس و چیزهایی شبیه اینها بود امروز هم چیزهای دیگری است و معنی ندارد ما بگوییم که از آنها اقتباس بکنید و به حضرت زهرا تأسی کنید، یعنی برویم لباس کرباسی که از پنبه هست و خودمان پنبه‌اش را می‌ریسیم تهیه کنیم؟! این پارچه‌های زیبا، رنگارنگ، از جنس‌های مختلف، با نقاشی‌ها، با هنرمندی‌هایی که رویش انجام می‌گیرد، همه اینها را در دریا بریزیم و برویم کرباس بپوشیم؟! شما چه می‌گویید که به حضرت زهرا تأسی کنیم! یا مثلاً آن روز زندگی عموم مردم این‌طور بوده که گندم یا جو می‌گرفتند و در خانه، دستاس می‌کردند. حالا بعضی جاها در شهرهای بزرگ مثلاً آسیاب‌های آبی هم بوده ولی معمولاً اینکه دستاس در خانه باشد و مردم گندم یا جو را دستاس کنند این چیزها عادی بوده، معنایش این نیست که حالا هم ما بیاییم یک دستاس بخریم و در خانه بگذاریم و گندم و جو بخریم و در خانه دستاس کنیم تا زندگی‌مان شبیه زندگی حضرت زهرا(س) بشود!

برخی این مسائل را ذکر می‌کنند و پس از آن نتیجه می‌گیرند که ما باید زندگی حضرت زهرا را کنار بگذاریم، زندگی حضرت زهرا برای خودشان و آن زمان خوب بود و این زندگی‌ها برای ما قابل تأسی نیست. بله، باید توجه داشت که بسیاری از ویژگی‌های زندگی ائمه اطهار هم به اقتضای شرایط زمان و مکان بوده و اگر ما هم در آن زمان‌ها بودیم همین‌جورها زندگی می‌کردیم، حتی کفار هم لباسشان کم‌وبیش همین‌جورها بود، البته استثنا داشت، گاهی از روم و جاهای دیگر حریر و دیبا می‌آوردند و افرادی از ثروتمندهای سطح بالا از این لباس‌ها می‌پوشیدند ولی لباس عموم مردم همین‌ها بود. یا وقتی می‌گوییم خانه حضرت زهراسلام‌الله‌علیها از خِشت و گل بود، تصور نشود که خانه دیگران مثلاً از سیمان و سنگ‌های زینتی بوده و خانه ایشان از خشت و گل بوده، نه، خانه عموم مردم همین‌جورها بوده است. اتفاقاً در بعضی از شهرها تعدادیِ خانه که سفیدکاری شده بود پیدا می‌شد. اصلا برای بعضی از خانه‌ها سفیدکاری شدن امتیاز بود و الا معمولاً همه خانه‌ها خشت و گلی بود.

در پاسخ باید گفت: بله، اینها واقعیت دارد و بسیاری از ویژگی‌های زندگی ائمه اطهار و ازجمله حضرت زهرا تابع شرایط محیط و زمان بوده است، در آن زمان سطح زندگی اکثر مردم همین‌ها بوده است ولی کلام درباره این ویژگی‌ها نیست.

منظور از الگو بودن زندگی حضرت زهرا(س) چیست؟

آنهائی که می‌گویند حضرت زهرا الگو هستند نمی‌گویند با وجود آسیاب‌های برقی و این همه وسایل مختلف آشپزی و فر و چیزهای دیگر، ما بیاییم دستاس تهیه کنیم و فرض کنید که روی بعضی از امکانات اولیه، نان تهیه کنیم یا غذا بپزیم. اینها منظور نیست. پس منظور چیست؟ فضائلی از قبیل همسر علی و دختر پیغمبر بودن، که قابل اقتباس نیست. این ویژگی‌هایی هم که خودشان نانشان را بپزند و گندمشان را دستاس کنند، اینها هم قابل اقتباس نیست. پس، از زندگی حضرت زهرا چه چیزی را اقتباس کنیم؟

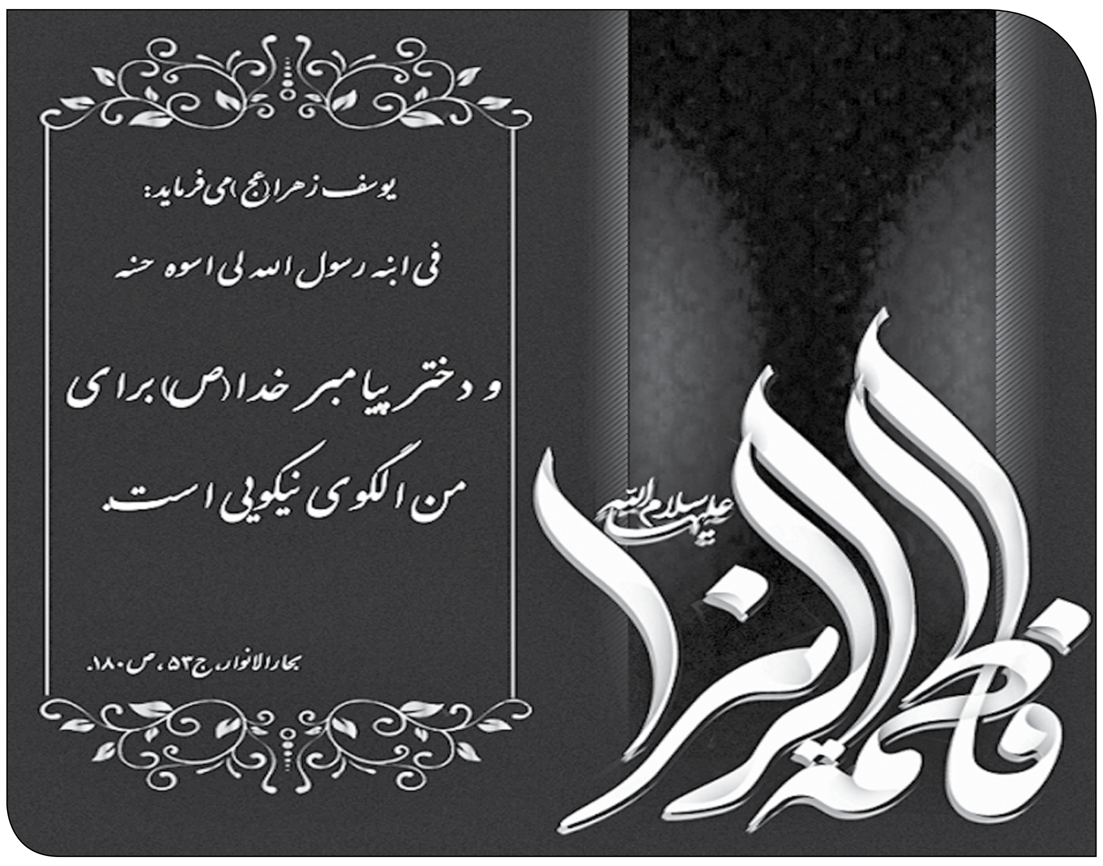

یوسف زهرا(ع) می‌فرماید:
فی ابنة رسول الله لی اسوة حسنة
و دختر پیامبر خدا(ص) برای من الگوی نیکویی است.
بحارالانوار، ج۵۳، ص۱۸۰.

عمده مطلب همینجاست که همه ما می‌دانیم که منظور چه ویژگی‌هایی هست، اما آنهائی که می‌خواهند شیطنت کنند این حرف‌ها را با هدف پوشاندن حقیقت مطرح می‌کنند. همه این ویژگی‌ها قالب‌هایی برای فهم یک سلسله معانی و حقایق است. اینکه انسان لباس کرباس بپوشد یا مثلاً در خانه گندم یا جو دستاس کند یا نان بپزد، این قالب‌های خاصی است که اختصاص به آن زمان داشت و در این زمان، قابل اقتباس نیست ولی اینها روح و معنایی دارد که آن معنا قابل اقتباس است. درخصوص تقسیم کارهای زندگی بین زن و شوهر در محیط خانواده، درست است که زن قانوناً موظف نیست که حتماً غذا تهیه کند و مثلاً خانه را رفت‌وروب کند یا لباس بدوزد. اینها وظیفه زن نیست ولی بالاخره یک زندگی مشترک بین زن و مرد است، خیلی چیزها هم وظیفه مرد نیست که انجام بدهد ولی این زندگی سلسله مسائلی را ایجاب می‌کند که باید مشترک و با هم انجام بدهند. در این‌جا چگونه تقسیم کار کنند؟ یک سلسله مسائلی هست که وظیفه مرد نیست اما مرد انجام آن را عهده‌دار می‌شود و یک سلسله مسائلی هم هست که وظیفه زن نیست و زن عهده‌دار انجام آن می‌شود.

در تقسیم کارهای خانواده این یک جهت کار است که بر اساس اصول عادلانه و منصفانه‌ای کارها بین مرد و زن تقسیم بشود. حتماً این حدیث را شنیده‌اید، حدیث معروفی است که همه شنیدید و خیلی بعید است که این حدیث دروغ باشد؛ بعد از اینکه پیغمبر اکرم(ص) ازدواج حضرت زهرا(س) و امیرالمؤمنین(ع) را سامان دادند بعد پیشنهادی کردند یا دستوری دادند، البته پیشنهادهای خیلی ساده پیغمبر اکرم هم برای آن بزرگواران از هر امر واجب‌الاطاعه‌ای مطاع‌تر بود، فرمودند که علی جان! شما با شتری که داری آب بکش و آب به منزل بیاور، تأمین وسایل زندگی، خرید بازار، تعلیف شتر یا گوسفند و این کارها به عهده شما و به دخترشان هم فرمودند که کارهای خانه را هم شما عهده‌دار باش! این تقسیم کاری که پیغمبر اکرم فرمودند به‌عنوان یک قانون حقوقی نبود که به‌عنوان حقوق مدنی اسلام برای موادی تنظیم بشود که مرد باید برود آب‌کشی کند، شتر را تعلیف بکند، خرید بازار را عهده‌دار بشود و این حرف‌ها، اینها جزو حقوق مدنی اسلام نیست، واجباتی نیست. همچنین این‌گونه نیست که رفت‌وروب کردن خانه، غذا پختن و ظرف شستن از حقوق مرد بر زن باشد که باید این کارها را انجام بدهد. این یک پیشنهاد برای یک تقسیم کار دوستانهِ عادلانه‌ای بود که حالا که این کارهای مشترک را دارید کارهای بیرون برای مرد مناسب‌تر است و کارهای داخل خانه برای زن مناسب‌تر است. بعد حضرت زهرا بسیار خوشحال شدند و خدا را شکر کردند و گفتند که اگر عکس این مسئله بود چقدر برای من سخت بود. خدا را شکر که پیغمبر فرمودند که من کارهای خانه را عهده‌دار بشوم و اگر فرموده بودند که کارهای بیرون را تو عهده‌دار بشو، تو برو آب‌کشی بکن، تو برو گوسفند بچران یا کارهای دیگری بکن چقدر برای من سخت بود! الحمدلله که پدرم این‌جور دستور داد. منظور این است که این یک نوع تقسیم کار دوستانه‌ای است بین دو نفر که می‌خواهند با هم زندگی مشترک داشته باشند و به این صورت کارهای مشترکشان را با هم تقسیم کنند. پیغمبر اکرم کیفیت این تقسیم را این‌جور پیشنهاد فرمودند. اصل این مسئله، یک معنا، یک روح و یک ارزش است که در محیط و خانواده‌های ما هم، مرد و زن اولاً سعی کنند که کارهای مشترک خانواده‌شان را بین خودشان تقسیم کنند، نه مرد توقع داشته باشد که همه کارها را خانم انجام بدهد و نه خانم توقع داشته باشد که همه کارها را مرد انجام بدهد، بالاخره به اقتضای زندگی مشترک، یک کارهایی است که باید انجام بگیرد، بعد هم بچه‌دار می‌شوند و زندگی بچه‌داری هم مشکلات و سختی‌هایی دارد. این‌جا باید بر اساس یک اصول عادلانه‌ای که البته شرایط محیط، شرایط زمان و این حرف‌ها هم در آن مؤثر خواهد بود با هم توافق کنند. گرفتن این روح و اقتباس کردن از این اصل و ارزش، این تأسی به پیغمبر اکرم و امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا است اما قالب و شکل کار در زمان‌ها فرق می‌کند.

اهمیت ساده‌زیستی و پرهیز از تجمل‌پرستی

اصل، این است که انسان به تجملات خیلی اهمیت ندهد، این‌جور نباشد که شبانه‌روز فکرش این باشد که هرروز یک مد و دکوراسیون جدید، رنگ، شکل و تزئینات جدیدی برای منزل فراهم کند، یا هرروز یک لباس جدیدی با مد جدیدی بپوشد، مثلا دیروز فلان میهمانی بودیم من این لباس را پوشیدم و دیگر امروز نمی‌شود بپوشم! فرض بفرمائید من این لباس را در جشن عقد پوشیدم دیگر در جشن عروسی نمی‌شود بپوشم! روز پاتختی که نمی‌شود این لباس را بپوشم! این روحیه که صبح یک لباس، عصر یک لباس، این جلسه یک لباس و فردا یک لباس دیگری بپوشیم، این روحیه تنوع‌پرستی و تجمل‌پرستی، شأن انسان مؤمنی که دلبسته به آخرت است نیست: لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ. اگر ما واقعاً معتقدیم که برای یک زندگی ابدی آفریده شدیم و همه آنچه در دنیا انجام می‌دهیم برای این است که مقدمه و وسیله‌ای برای سعادت ابدیمان باشد، آن‌وقت تمام همّ و غمّمان را صرف همین زندگی چند روزه کنیم و اصولاً از اینکه برای آنجا چه باید کرد غافل بشویم؟! آیا این کار عاقلانه‌ای است؟! فرض بفرمائید کسی چند روز یا چند ساعت به سفر می‌رود، مثلا شما از یزد حرکت می‌کنید و به تهران تشریف می‌برید و می‌خواهید مدتی در آنجا اقامت داشته باشید، آیا صحیح است که تمام همّتان فکر این چند ساعتی باشد که بین راه یزد و تهران در حرکت هستید؟! برای این چند ساعت، چند دفعه اتومبیلتان را با صابون شستشو بدهید، داخل ماشین را تمیز و معطر کنید، فرض بفرمایید که چند ساعت می‌خواهید سوار ماشین شوید و از یزد به تهران بروید، دیگر این‌قدر دنگ‌وفنگ نمی‌خواهد، به اندازه‌ای که شما مطمئن باشید که وسیله سالمی است و شما را به مقصد می‌رساند کافی است. برای این چند ساعت که دیگر چند رقم لباس عوض کردن در ماشین نمی‌خواهد! چون مقصدتان جای دیگری است. اگر فرض بفرمایید که بناست عروسی در تهران برگزار بشود، این چند ساعتی که در ماشین و بین راه هستید دیگر نباید چند جور لباس عوض کرد، لباس به اندازه‌ای که بدن ما از سرما و گرما محفوظ باشد کافی است. دنیا نسبت به آخرت این‌چنین است، حکم یک چشم به هم زدن را در مقابل یک عمر هزاران ساله دارد و بلکه این نسبت، از این هم کمتر است. آن زندگی ابدی و نامتناهی است. این زندگی هرقدر هم طولانی باشد، متناهی با نامتناهی نسبتی ندارد، از یک چشم به هم زدن هم کمتر است. آن وقت صحیح است که کسی که به آن عالم معتقد است و می‌داند که ما برای آنجا آفریده شده‌ایم و همه این زندگی‌مان برای این است که زاد و توشه‌ای برای آنجا فراهم کنیم اصلا مقصد را فراموش کنیم و فقط فکر همین چند ساعتی باشیم که بین یزد و تهران در وسیله‌مان سوار هستیم؟! روشن است که این کار عاقلانه‌ای نیست.

ساده‌زیستی و بی‌اهمیتی به زندگی دنیا درسی از سیره اهل بیت(ع)

زندگی پیغمبر اکرم و ائمه اطهار(ع) برای ما از این جهت الگوست که این ارزش را در زندگی به ما القاء می‌کند که نسبت به مسائل زندگی دنیا خیلی سختگیر نباشیم و خیلی به آن اهمیت ندهیم و مقداری سهل‌تر با زندگی دنیا برخورد کنیم. این‌قدر مدپرستی، تجمل‌پرستی و چشم و هم‌چشمی، شأن کسی که پیرو حضرت زهرا است، نیست، حالا می‌خواهد لباس کرباس باشد، می‌خواهد کرپ باشد، یا می‌خواهد چیز دیگری باشد. جنس لباس عادی که آن وقت می‌پوشیدند کرباس بود، حالا شما لباس با جنس دیگری می‌پوشید، بسیار خوب، مبارکتان باشد، اما کلام در این است که روح تجمل‌پرستی را در خود بمیرانید، روحیه قناعت، وارستگی و بی‌اعتنایی به این زرد و سرخ‌ها را در خودتان تقویت کنید. این، تأسی به حضرت زهرا (س) است.

> **زندگی پیغمبر اکرم و ائمه اطهار(ع) برای ما از این جهت الگوست که این ارزش را در زندگی به ما القاء می‌کند که نسبت به مسائل زندگی دنیا خیلی سختگیر نباشیم و خیلی به آن اهمیت ندهیم و مقداری سهل‌تر با زندگی دنیا برخورد کنیم. این‌قدر مدپرستی، تجمل‌پرستی و چشم و هم‌چشمی، شأن کسی که پیرو حضرت زهرا است، نیست، حالا می‌خواهد لباس کرباس باشد می‌خواهد کرپ باشد، یا می‌خواهد چیز دیگری باشد. جنس لباس عادی که آن وقت می‌پوشیدند کرباس بود، حالا شما لباس با جنس دیگری می‌پوشید، بسیار خوب، مبارکتان باشد، اما کلام در این است که روح تجمل‌پرستی را در خود بمیرانید، روحیه قناعت، وارستگی و بی‌اعتنایی به این زرد و سرخ‌ها را در خودتان تقویت کنید. این، تأسی به حضرت زهرا(س) است.**

---

[۱]. تحریم، ۱۱.
[۲]. همان، ۱۲.
[۳]. نهج‌البلاغه، نامه ۴۵.
[۴]. احزاب، ۲۱.
[۵]. ممتحنه، ۴.

چراغ راه

افزایش ایمان با ازدیاد علاقه به همسر

قال‌الامام الصادق(ع): «العبد کلما ازداد للنساء حبا، ازداد فی‌الایمان فضلا».

امام صادق(ع) فرمود: هرچه میزان زن‌دوستی(همسر) بنده افزایش یابد، بر ایمانش افزوده می‌شود.(۱)

۱- من لایحضره‌الفقیه، ج ۳، ص ۲۵۱

حکایت خوبان

اجر جهاد زنان بهشتی

امام علی(ع) فرمود: رسول خدا(ص) از جهاد یاد کردند، زنی به آن حضرت عرض کرد: ای رسول خدا! از این جهاد(چیزی) برای زنان نیست؟ پیامبر اکرم(ص) فرمود: برای زن در فاصله حاملگی تا زایمانش و تا از شیر گرفتن فرزندش اجری است چونان اجر کسی که خود را در راه خدا(و جهاد) قرار داده است. پس اگر در این فاصله بمیرد موقعیت شهید را دارد.(۱)

امام صادق(ع) فرمود: هرگاه زن نماز پنجگانه خود را بخواند و روزه ماه رمضان خود را بگیرد و حج خانه خدا را(در صورت استطاعت) انجام دهد و از شوهر خود اطاعت کند و دارای ولایت امیرمومنان علی(ع) باشد، پس از هر دری از درهای بهشت که بخواهد، داخل بهشت شود.(۲)

۱- من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۶۱
۲- همان، ص ۴۴۱

پرسش و پاسخ

نقش استعمار در فروپاشی خانواده‌ها

پرسش:

استعمار با شعار زن، زندگی، آزادی به عنوان عقبه این جریان در حال حاضر چه نقشی را در فروپاشی و انحلال خانواده‌ها ایفا می‌کند؟

پاسخ:

پوشش‌های فریب زنان

استعمار برای رسیدن به مقاصد شوم خود، همواره با عناوین مختلف از قبیل: دفاع از حقوق زن، آزادی زنان. تساوی حقوق زن و مرد، نجات زن از بدبختی‌ها و فلاکت‌ها و احیای شخصیت لگدکوب شده زن و در حال حاضر در قالب: زن، زندگی و آزادی اساس خانواده و نظام زندگی خانوادگی را دستخوش تحول قرار داده است. استعمارگران با پوشش این عناوین نهایتاً کانون گرم خانواده و پر مهر زن و مرد را متلاشی می‌کنند، تا به اهداف استعماری خود سریع‌تر و راحت‌تر دست یابند.

ساز و کارهای اجرایی اهداف استعمار

۱- زن به مثابه ابزاری برای نظام سرمایه‌داری

در غرب و کشورهای اروپایی، زن را به خدمت نظام سرمایه‌داری درآوردند، و از او ابزاری برای تبلیغات و فروش کالاهای خود، و مصرف آن همه وسایل آرایشی و زینتی ساختند، صدها هزار کودک و زن غربی را به فحشاء، دزدی و اعتیاد کشاندند و آنها را وسیله‌ای برای شهوترانی، شب‌نشینی و فساد و تهیه مجلات و فیلم‌های سکسی به کار گرفتند و به انواع بیماری‌های روانی، مقاربتی، اعتیاد و خودارضایی مبتلاساختند.

آری زنان را از خانه بیرون کشیدند و به اصطلاح آزادشان کردند تا به مثابه ابزاری در خدمت اهداف استعمارگران قرار دهند و در نتیجه طلاق و فروپاشی زندگی خانوادگی را آنچنان در غرب رواج دادند که هر ساله میلیون‌ها نفر زن و شوهر از هم جدا می‌شوند، تا جایی که در بسیاری از نقاط در برابر هر دو ازدواج یک طلاق صورت می‌گیرد (مصطفی السباغی، المراه بین‌الفقه و القانون، ص ۲۵۷)

۲- گسترش بی‌حجابی و فروپاشی خانواده‌ها

استعمار تحت عنوان آزادی زن و نجات او از بردگی مرد، انهدام اساس خانواده و کانون گرم و پر مهر زن و مرد را هدف‌گیری کرده، و برای تسریع در موفقیت و رسیدن به نیات پلید خود، تحت عنوان آزادی زن و اینکه زن باید تمام زمینه‌ها از جمله: خوراک، پوشاک، مسکن و زندگی با این مرد یا آن مرد در حالی که همسر مرد دیگری است. انتخاب رفیق مرد حتی با وجود داشتن شوهر و یا رها کردن شوهر و فرزند خود و برهم زدن زندگی، آزاد باشند، بر روی دو مسئله تمرکز و پیرامون آن تبلیغات کرده‌اند و قانون‌ها وضع نموده‌اند، و آنها عبارتند از: ۱- گسترش بی‌حجابی‌ها ۲- سهولت در امر طلاق. زیرا با این دو عامل خانواده‌ها هر چه سریع‌تر از هم پاشیده می‌شوند! لذا حکومت‌های استعماری از یک سو زن را به مثابه ابزاری برای استثمار و به فساد کشاندن اجتماع و مصرف وسایل آرایشی و تزیینی و نظام سرمایه‌داری به کار گرفتند، و از طرف دیگر زن اولویت اول اداره خانه را رها کرده و به مشاغل بیرون از خانه رو آورده و در نتیجه علی‌رغم میل طبیعی خود از بچه‌دار شدن جلوگیری می‌کنند و یا اگر بچه‌ای هم به دنیا آورند، در بعد تربیتی آن دچار مشکلات روانی و عاطفی خواهند شد.

۳- تدوین قوانین حمایت از حقوق زنان با اهداف استعماری

استعمار از آنجا که برای رسیدن به منافع خود، آزادی بدون قید و شرط زنان و فروپاشی و طلاق خانواده‌ها را هدف‌گیری کرده است، لذا تلاش دارد تا با تدوین قوانین حمایت از خانواده‌ها و دفاع از حقوق زنان، اختیار طلاق را تا حد زیادی از مردان سلب کرده و در اختیار زنان قرار دهد، و دادگاه‌ها را نیز مجاز به اجبار شوهر به طلاق دادن نمودند، که در صورت عدم تمکین شوهر، دادگاه راساً اقدام به طلاق می‌کند، و معلوم است که با آن آزادی بی‌قید و شرط در روابط جنسی و با این حمایت از زن و حق طلاق چه بر سر خانواده‌ها خواهد آمد! اینجاست که در برابر هر دو ازدواج یک طلاق انجام می‌شود! به عنوان نمونه در کشور اسلامی ایران، از منظر فقه امامیه و قانون مدنی ایران اختیار طلاق به دست شوهر است. اما در قانون قبل از انقلاب حمایت از خانواده، مصوب ۱۵ بهمن ۱۳۵۳، عملا اختیار طلاق از مرد گرفته شد به این معنا که هر یک از زوجین اگر ناسازگاری داشته باشند، می‌توانند از دادگاه گواهی عدم سازش بگیرند و خود راساً اقدام به طلاق نمایند، اگر طرف مقابل راضی به طلاق نباشد، این کار در اسلام برای مرد مشروع بود ولی برای زن (به جز موارد استثنایی که در فقه معین شده) مشروع نبود، چون اختیار طلاق در دست مرد است. ماده ۲۱ قانون حمایت خانواده می‌گوید: دفاتر طلاق پس از ارائه گواهی عدم امکان سازش از ناحیه هر یک از زوجین، به طرف دیگر اخطار می‌نمایند ظرف مهلتی که از یک ماه تجاوز ننماید، برای اجرای صیغه طلاق و ثبت آن حاضر شود. در صورتی که ظرف مهلت مقرر حاضر نشود، دفتر طلاق مکلف است حسب تقاضای یکی از طرفین صیغه طلاق را جاری و ثبت نماید. امام راحل در مقابل این قانون جبهه گرفته و آن را مخالف صریح اسلام دانسته و طلاق را نیز باطل دانست.

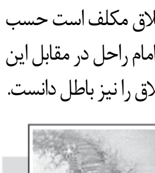

سلوک عارفانه

راهبرد تقدس‌زدایی استعمار از کانون خانواده

خطری که در جهان امروز، نسل بشر را تهدید می‌کند، تقدس‌زدایی از کانون خانواده است، سران استکبار و استثمار که قداست خانواده را مانعی اساسی در برابر مطامع و خواسته‌های نامشروع خود می‌بینند، با همه توان، تلاش می‌کنند در جهت تقدس‌زدایی از خانواده، فرهنگ‌سازی نمایند. تلاش برای به رسمیت شناختن خانواده‌های همجنس، زوج‌های هم‌خانه و خانواده‌های اشتراکی و نیز زمینه‌سازی نظری در جهت تقدس‌زدایی از خانواده، برنامه‌ریزی برای گسترش عکس‌ها و فیلم‌های ضداخلاقی در جامعه و زمینه‌سازی علمی فرهنگ تقدس‌زدایی از خانواده، اصلی‌ترین عوامل فروپاشی خانواده به‌شمار می‌روند.(۱)

۱- تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، مرحوم محمدی ری‌شهری، ص ۱۲

صفحه معارف روزهای: شنبه، یک‌شنبه
سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۴۱۹۹۱ - ۳۵۲۰۲۲۲۱
Maarefkayhan@Kayhan.ir